



زبان فارسی در گذر زمان
زبان فارسی در گذر زمان، دکتر مهرداد نغزگوی کهن و دکتر شادی داوری،
کتاب بهار، ۱۳۹۵

الهام ایزدی^۱

مقدمه

تکوین ساخت‌های دستوری و سیر تحول آنها از جمله مسائل مهم در حوزه زبان‌شناسی است. زبان فارسی، میراث سرزمین پهناور ایران است که بررسی سیر تحول زبان آن، «فارسی»، از رهگذر تاریخ کاری بس ارزشمند است. دو جلد کتاب «زبان فارسی در گذر زمان» کتاب‌هایی ارزشمند در حوزه سیر تحول و فرآیندهای صورت گرفته بر ساخت‌های دستوری زبان فارسی است. چارچوب اصلی کتاب‌های حاضر بر پایه دستوری‌شدگی* است که با ارائه مراحل آن بیان می‌شود. دستوری‌شدگی ناظر بر چارچوبی است که به مطالعه چگونگی به وجود آمدن امکانات دستوری، کاربرد و نقش آن‌ها در زبان می‌پردازد (نغزگوی کهن، ۱۳۹۳: ۱۷۵). ویژگی اصلی کتاب حاضر چیدمان آن از مسائل ساده‌تر و پایه‌تر در این حوزه به سمت مسائل پیچیده‌تر و تخصصی‌تر است که روندی مطلوب برای خوانندگان ناآشناست.

کتاب «زبان فارسی در گذر زمان» مجموعه مقالات، نوشته نغزگوی کهن است. این مقالات قبلاً به چاپ رسیده و سپس در این اثر گردآوری شده است.

در مقدمه، نگارنده مطالعات تاریخی را به دو دسته تقسیم می‌کند؛ دسته اول تحقیقاتی را در بر می‌گیرد که جنبه توصیفی دارند و به مطالعه ماهیت تغییر و الگوهای تغییر زبانی می‌پردازد و دسته دوم شامل تحقیقاتی می‌شود که به تبیین علل تغییرات اختصاص دارد. حجم مطالعات توصیفی بسیار بیشتر از مطالعات تبیینی است. نگارنده پیچیدگی مطالعات تبیینی را دلیل بر کم بودن آنها نسبت به توصیفی می‌داند. او بر این عقیده

*. Grammaticalization

✉ e.izadi89@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

است که مطالعات تاریخی باید علاوه بر توصیف، علل تغییرات زبانی را نیز بیان کنند. یکی از این راه‌ها پیروی از چارچوب نظری مناسب است و از جمله این نظریه‌های اثبات‌شده، دستوری‌شدگی است. مقاله اول این کتاب مربوط به مسائل صرفی- نحوی و آوایی- واجی فارسی است. نگارنده مجموعه مقالات را با مبحث دستوری‌شدگی و چگونگی موارد بروز آن آغاز می‌کند. در مقاله نخست تحت عنوان «چگونگی شناسایی موارد بروز دستوری‌شدگی» به اصول حاکم بر دستوری‌شدگی هاپر^۱ (۱۹۹۱)، از جمله لایه‌بندی^۲، واگرایی^۳، مقوله زدایی^۴ و معنازدایی و سپس به سازوکارهای دستوری‌شدگی ویشر^۵ (۲۰۰۶) اشاره می‌کند که خود متأثر از هاپروتراگوت^۶ (۲۰۰۳) می‌باشد. آشنایی با این ساز و کارها و اصول می‌تواند به ما در توصیف تغییرات زبانی و چگونگی تکوین امکانات دستوری حتی در زبان‌های بدون خط کمک کند. ساز و کارها و به‌خصوص اصول دستوری‌شدگی این امکان را فراهم می‌سازد که موارد بروز دستوری‌شدگی را شناسایی کنیم و از این رهگذر در مورد گذشته این زبان‌ها اطلاعات مهمی را به‌دست آوریم و رابطه آن‌ها را با زبان فارسی دریابیم.

نویسنده در مقاله بعدی به «کاربرد دستوری‌شدگی در تحلیل برخی تغییرات عام در فارسی نو» می‌پردازد. در این مقاله نمودار مرحله‌ای دستوری‌شدگی نشان داده شده است:

جزء واژگانی آزاد < کلمه نقشی < واژه‌بست < وند تصریفی (< صفر)

سپس، نمونه‌هایی از آن نظیر همکرد فعل مرکب و افعال معین در فارسی بیان می‌شود. از نمونه‌های دستوری‌شدگی همکرد فعل مرکب، می‌توان فعل «خوردن» را مثال زد که از معنای اصلی و قاموسی اولیه تهی شده است.

(۱) خوردن: فریب خوردن، غوطه خوردن...

در مورد افعال معین نیز می‌توان فعل «خواستن» را نام برد. در زبان فارسی این فعل اصلی بوده است، در بعضی از کاربردهای خود به تدریج در مقام فعل معین بازتحلیل شده و برای ساخت زمان دستوری آینده به کار رفته است.

(۲) می‌خواهم او را ببینم.

در مقاله‌های بعدی، نمونه‌هایی از موارد دستوری‌شدگی و سیر تحول در زبان فارسی بررسی شده‌اند. یکی از این مقالات «از واژه‌بست تا وند تصریفی» است. در این مقاله، می‌توان اجزای فعلی مانند «می-»، «ب-» و «ن-» را نام برد که در دوران متقدم فارسی، بعضی از مشخصه‌های واژه‌بست را داشته‌اند و کم‌کم با از

-
1. Hopper
 2. Layering
 3. Divergence
 4. Decategorialization
 5. Wischer
 6. Hopper & Traugott

دست‌دادن این مشخصه‌ها، مشخصه‌های وندهای تصریفی را کسب کرده‌اند، به طوری که در فارسی امروز دیگر نمی‌توان آن‌ها را واژه‌بست دانست.

نویسنده در مقاله «دستوری‌شدگی افعال حرکتی در زبان فارسی» نشان داده‌است که بسیاری از افعال معین فارسی از رهگذر «معین‌شدگی» به وجود آمده‌اند. از مهم‌ترین کاربردهای این افعال معین، بیان مقوله‌های دستوری جهت و نمود در زبان فارسی است.

۳) آمدم خیار پوست بکنم تک چاقو رفت توی انگشتم (فردا، ۳۴). (نمود آغازی)

نگارنده در مقاله بعدی با عنوان «بررسی کلمات ربط فارسی و چگونگی تکوین آنها» به طور مفصل به این کلمات اشاره کرده‌است (رمت و مائوری^۱، ۲۰۱۱) و بیان می‌کند که در زبان فارسی برای ساخت کلمات ربط تقابلی از همه منابع در زمانی چون کلمات با معنای زمانی، مکانی، علی و تأکیدی استفاده شده‌است. علاوه بر این منابع، راه‌های دیگر ساخت این نوع کلمات، استفاده از افعال و کلماتی با معنای پرسشی و شرط است که در زبان‌های دیگر کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌است. همه کلمات ربط فارسی (به جز آنهایی که قرضی هستند) از رهگذر دستوری‌شدگی به وجود آمده‌اند، مانند نمونه زیر که یک کلمه ربط است که از ریشه فعلی طی فرآیند دستوری‌شدگی به وجود آمده‌است.

۴) فکر می‌کردم تمام شب را درس می‌خواند، نگو تلویزیون تماشا می‌کند.

سپس در مقاله‌ای دیگر به «افعال معین و نمایش نمود در زبان فارسی» می‌پردازد. موضوع اصلی این مقاله افعال معینی است که بیانگر مفهوم نمود هستند دو نکته مهم در این مقاله این است که، اولاً یک فعل معین در عین حال می‌تواند چند نقش دستوری داشته باشد. دوماً دو یا چند فعل معین می‌توانند نقش دستوری یکسانی داشته باشند. در مثال زیر فعل «بودن» نمود ناقص است:

۵) از وقتی به دانشگاه رفتم، مریض بوده‌ام.

در مقالات بعدی، نویسنده به سیر تحول «ب-» و «می-» می‌پردازد. در مقاله نخست که «تغییرات نقشی ب- در فارسی نو از منظر دستوری‌شدگی» نام دارد، عنوان می‌کند که تحول این جزء ناظر بر دستوری‌تر شدن آن و تبدیل آن به وند تصریفی و حرکت آن به سمت اشتقاقی شدن است. البته، نمی‌توان آن را وند اشتقاقی تمام‌عیار دانست و در فارسی نو فقط برای تأکید در وجه التزامی و امری مورد استفاده قرار گرفته است.

۶) بدانند (= بدان) که مردم در دین چهار اعضا اند... (کشاوری، تاریخ طبرستان، ۷۹۵)

مقاله دیگر با نام «بررسی سیر تحول می- در فارسی نو» نیز، جزء «می-» مقیدشدگی هرچه بیشتر همراه با خاص‌شدگی هرچه بیشتر را نشان می‌دهد و در واقع گزینشی‌تر عمل می‌کند. مثل مثال زیر که در فارسی امروز دیگر کاربرد ندارد:

۷) بمی‌خواست (راوندی، راحله، ۳۸۱)

نگارنده در مقاله «واژه‌بست تا وند اشتقاقی» نشان می‌دهد که ضمیر پی‌بستی – ش با از دست دادن خصوصیات واژه‌بستی و نیز ارجاع‌پذیری خود تبدیل به وند اشتقاقی شده است.

۸) راس و پوست‌کنش(راستش)، اینه که...

سپس در مقاله «بررسی شیوه تکوین بعضی از ضمائر در فارسی نو» عنوان می‌کند که ضمائر نیز مانند سایر اعضا و مؤلفه‌های زبانی دچار تغییر می‌شوند. در واقع، ضمائر از منابع مختلف به وجود می‌آیند و نقش دستوری خود را برای مدتی حفظ می‌کنند و سرانجام با تغییر کاربرد کم‌کم از زبان حذف می‌گردند و دوباره جای آن‌ها را ضمائر جدیدی می‌گیرد. مثل ضمائر «وی» و «ایشان» که زمانی هم برای جاندار و هم غیر جاندار به کار می‌رفته‌اند و در حال حاضر تنها برای انسان و آن هم در گونه رسمی به کار می‌روند.

بعد از مقالات نام‌برده، نگارنده مبحث دستوری‌زدایی^۱ را عنوان می‌کند که اولین بار لمان^۲ (۱۹۸۲/۱۹۹۵) این اصطلاح را استفاده کرد. در دستوری‌زدایی اجزاء زبانی خصوصیات دستوری خود را از دست می‌دهند و آزادتر می‌شوند، این آزادتر شدن به همراه قاموسی‌تر شدن (یعنی کسب معنای قاموسی) است (کمپ بل^۳ و میکسکو^۴، ۲۰۰۷؛ رمت، ۱۹۹۲؛ آلن^۵، ۱۹۹۵). سپس به مقایسه دو فرآیند دستوری‌شدگی و دستوری‌زدایی در مقاله‌ای با عنوان «دستوری‌شدگی و دستوری‌زدایی؛ فرآیندهای مستقل و موازی» می‌پردازد. در مثال زیر کلمات نقشی معنای قاموسی پیدا کرده‌اند:

۹) اماها، اگرها.

یکی از این موارد دستوری‌زدایی «تبدیل وند تصریفی «ب_» و «ن_» به وند اشتقاقی است» که عنوان مقاله‌ای دیگر در مقایسه این دو فرآیند است. این دو جزء در مسیر دستوری‌شدگی از واژه تمام‌عیار تبدیل به واژه‌بست و سپس وند تصریفی شده‌اند. اگر دستوری‌زدایی دقیقاً حرکت خلاف دستوری‌شدگی باشد، می‌باید این دو جزء دوباره به صورت واژه‌بست یا کلمه نقشی درآیند، ولی شواهد موجود نشان می‌دهد که در دستوری‌زدایی راه دیگری را برگزیده‌اند و تبدیل به وند اشتقاقی شده‌اند. مسیرهای دستوری‌زدایی می‌تواند متفاوت باشد و نباید همیشه بر اساس دستوری‌شدگی اولیه توصیف شود.

۱۰) بُرو: (صفت) پرمشتری، پررونق. (کاربرد ب در مقام پیشوند اشتقاقی)

بعد از مقایسه این دو فرآیند، «امکانات تکریمی ارجاعی^۶ در فارسی نو» بررسی می‌شود. منظور از امکانات تکریمی صورت‌هایی هستند که برای مشخص کردن جایگاه و شأن اجتماعی هم‌صحبتان، مشارکت‌کنندگان، حضار یا اشخاص ثالث استفاده می‌شوند. این امکانات در شش دسته طبقه‌بندی می‌شوند: القاب، ضمائر و

1. Degrammaticalization
2. Lehman
3. Campbell
4. Mixco
5. Allen
6. Referent Honorifics

مطابقت فعلی، تکریمی‌های اسمی، تکریمی‌های صفتی، تکریمی‌های فعلی و صورت‌های فروتنانه. در نمونه زیر تکریم عمل فاعل، با فعل خاصی به کار می‌رود:

(۱۱) سلطان در دیول مسجد جامعی بنا فرمود (جوینی، جهانگشای، ۲، ۹۰) (تکریمی فعلی)

سپس در مقاله بعدی به بررسی «نقش بازتحلیل در تغییرات صرفی زبان فارسی» و اهمیت آن اشاره می‌کند. بازتحلیل یکی از ساز و کارهای مهم تغییر زبانی است می‌تواند موجب تغییرات صرفی و نحوی شود. در بعضی از تغییرات صرفی، سخن‌گویان ساختار تاریخی و اولیه کلمه یا کلمات را نادیده می‌گیرند و برای آنها ساختار ثانویه و کاملاً متفاوتی قائل می‌شوند. مانند جمع مکسر که در مواردی فارسی‌زبانان آن را مفرد به حساب می‌آورند و آن را دوباره جمع می‌بندند.

(۱۲) احوالات (جمع با «ات») - جواهرها (جمع با «ها») - ملوکان (جمع با «ان»)

چند مقاله آخر کتاب به مطالب کلی‌تر اختصاص دارد. مثل «اهمیت یافته‌های گویش‌شناسی در مطالعات تاریخی» که به‌طور اجمالی زبان‌شناسی تاریخی، اهداف کلی و روش‌های رایج در آن را توضیح می‌دهد. در مقاله بعدی با عنوان «بررسی تأثیر زبان عربی بر نظام واجی زبان فارسی و گونه‌های آن» سیر تحول نظام واجی فارسی نو بررسی می‌شود که مبین فاصله‌گرفتن نظام واجی این زبان از نظام واجی عربی فصیح در گذر زمان است.

نگارنده در مقاله بعدی با عنوان «یازگار و یادگار و انشقاق اولیه» سعی می‌کند با توضیح برخی از تغییرات منظم واجی/آوایی/تامایزات یازگار و یادگار/یادگار را نشان دهد. دو مقاله آخر کتاب «فارسی - یهودی» و «تاریخچه فرهنگ‌نویسی عامیانه فارسی» نام دارند. نگارنده در مقاله نخست به معرفی اجمالی متون فارسی - یهودی و تحقیقاتی که تاکنون به‌انجام رسیده‌است، می‌پردازد. در مقاله دوم ضمن اشاره اجمالی به اولین توجهات ایرانیان در دوره اسلامی به زبان گفتار و راه‌یابی آن به متون نوشتاری، به بررسی تاریخچه فرهنگ‌نویسی عامیانه در ایران پرداخته می‌شود و سپس فرهنگ‌های مهمی که تاکنون تألیف شده‌اند معرفی می‌شود و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

جلد دوم کتاب زبان فارسی در گذر زمان شامل مجموعه مقالات داوری و نغزگوی کهن می‌باشد. در بخش مقدمه نگارندگان عنوان می‌دارند که کوشیده‌اند تا روندهای تکوین، تغییر، تثبیت و حتی زوال برخی از صورت‌های دستوری و یا ویژگی‌هایی چون ترتیب واژه در فارسی را از دوره باستان تا دوره نو به دقت توصیف نموده، در قالب نمودارها و محورهای تحول سازه‌های دستوری به تصویر کشند. انگاره مورد بحث دستوری‌شدگی است. این انگاره ارتباط منطقی بین مطالعات تاریخی و مطالعات شناختی زبان است.

جلد دوم شامل نه مقاله است که مقالات اول تا پنجم کار مشترک مؤلفان است. این مجموعه با دو مقاله «همکردشدگی» و «شبه‌وندشدگی»^۱ آغاز می‌شود. همکردشدگی به تکوین همکردها از رهگذر

دستوری شدگی اشاره دارد. وقوع همکردشدگی به این معناست که از امکانات دستوری برای واژه‌سازی استفاده کرده‌ایم.

۱۳) تلاش زدن (با «تلاش» همکرد «کردن» یا «نمودن» به کار می‌رود.)

شبه‌ووندشدگی نیز حالتی است که در ساخت بعضی از کلمات مرکب، اجزای واژگانی با تغییر استعاری در معنا عملکردی شبیه به وندها از خود به نمایش می‌گذارند. در مثال زیر «سر» با معنای ارجاعی بر عضوی از بدن دلالت دارد، اما در ترکیبات می‌تواند با معنای استعاری «رأس، بالا» در حوزه مفهومی مکان انتزاعی شرکت کند:

۱۴) سردفتر، سرنگهبان، سرپرستار

در دو مقاله دیگر این کتاب نگارندگان به بررسی «دستوری‌شدگی زمان آینده در فارسی» و «دستوری‌شدگی افعال ارتقایی در زبان فارسی» می‌پردازند. در مقاله نخست به کاوش در سیر تحول فعل «خواستن» از فعلی واژگانی به فعل معین وجعی با معنای «اراده» (مثال ۱۲) و سپس به فعلی معین با معنای دستوری زمان «آینده» (مثال ۱۳) می‌پردازند.

۱۵) از زور خجالت می‌خواستم به زمین فرو بروم (هدایت، ۱۳۳۱: ۳۸)

۱۶) و آیا داستان‌ها دیگر قدرتی برای برانگیختن و تکان دادن ما در آینده خواهند داشت؟ (مرشدزاده، ۱۳۹۲، الف: ۳۸).

در مقاله دوم با عنوان «دستوری‌شدگی افعال ارتقایی در زبان فارسی» نگارندگان به این افعال می‌پردازند. مفهوم ارتقا^۱ مفهومی برگرفته از نحو زایشی است. مهم‌ترین ویژگی افعالی که حامل این مفهومند عدم نیاز به موضوع بیرونی است. در حوزه مطالعات کاربردشناختی و در زمانی زبان، این مفهوم به‌عنوان یکی از فرآیندهای دستوری‌شدگی یعنی ذهنی‌شدگی^۲ قلمداد شده است. ذهنی‌شدگی فرآیندی کاربردی-معنایی است که در خلال آن، معانی به طرز چشم‌گیری بر پایه باور ذهنی گوینده شکل می‌گیرند. با بررسی فعل‌هایی چون «به نظر رسیدن» مشخص می‌شود که ذهنی‌شدگی این دسته از افعال در زبان فارسی به تکوین افعال معینی با نقش «وجه‌نما» انجامیده است.

۱۷) به نظر می‌رسد نمی‌خواهی دست از این رفتار برداری.

مقاله مشترک دیگر مؤلفان «ساخت غیابی^۳ در فارسی» نام دارد. منظور از ساخت غیابی ساختی است که از رهگذر آن، غیاب فاعل در جمله رمزگذاری می‌شود، بی‌آن‌که به لحاظ واژگانی مکان وی در خارج از مرکز مکانی گفتگو مورد اشاره واقع گردد. این فرآیند از سوی گویشوران زبان فارسی و از رهگذر دستوری‌ترشدگی دو ساخت نمودی مستمر و کامل تحقق می‌یابد.

۱۸) امید کجاست؟ داره فوتبال بازی می‌کنه (ساخت نمود مستمر)

1. Raising
2. Subjectification
3. Absentive Construction

دراز کشیده (ساخت نمود کامل)

چهار مقاله آخر جلد دوم کتاب، نوشته داوری می‌باشد و با مقاله «نمود تکمیلی^۱ در زبان فارسی» آغاز می‌شود. نمود تکمیلی نقشی دستوری است که رمزگذاری مفهوم تکمیل موقعیت را در زبان‌های دنیا بر عهده دارد. در این مقاله نگارنده پس از معرفی فعل معین «رفتن» در نقش نمودنمای تکمیلی در زبان فارسی، نشان می‌دهد نمونه‌ای از فرآیند معین‌شدگی است که تکوین معنای هسته‌ای «تکمیل موقعیت» را به نمایش می‌گذارد.

(۱۹) بدبخت شدیم رفت.

در مقاله دیگر، نگارنده در مورد «نمود دستوری و تصویرگونگی» می‌باشد. نویسنده به بررسی تحول فعل واژگانی «رفتن» به افعال معین نمودنمای آغازی و تکمیلی یا فرآیند کلی «معین‌شدگی» این فعل می‌پردازد و نشان می‌دهد در تکوین عناصر دستوری مذکور، تصویرگونگی خطی^۲ نقشی اساسی دارد. تصویرگونگی خطی ناظر بر این حقیقت است که ترتیب خطی اشاره به صورت واحدهای زبانی در گفتمان، با توالی زمانی مفاهیم مورد اشاره در جهان پیرامون مطابقت دارد (هیراگا^۳، ۱۹۹۴: ۸). در مثال زیر هرگاه فعل معین نمودنما در آغاز بند و پیش از فعل اصلی قرار گیرد، نقش نمود آغازی و هرگاه در پایان بند و پس از فعل اصلی قرار گیرد، نقش نمود تکمیلی را برعهده می‌گیرد و این امر با اصل تصویرگونگی هم‌راستا است.

(۲۰) الف) تا رفت حرفی بزنه، زدند توی دوقش. ب) *تا حرفی بزنه رفت، زدند توی دوقش.

(۲۱) الف) پیر شدیم رفت. ب) رفت پیر شدیم.

در مقاله بعدی با عنوان «تثبیت ترتیب کلمه در زبان فارسی: معیار دستوری‌شدگی» نگارنده تثبیت ترتیب کلمه را به‌عنوان معیار دستوری‌شدگی برمی‌شمارد و نشان می‌دهد که دامنه‌ای فراتر از تحدید به تحولات معنایی را به نمایش می‌گذارد:

(۲۲) الف) سر کلاس نگاهش می‌کردم. ب) *کلاس سر نگاهش می‌کردم.

در آخرین مقاله جلد دوم از این مجموعه، نگارنده «تکوین و تحول معانی وجهی «باید» را بر اساس فرآیند معین‌شدگی» بررسی می‌کند. این واحد دستوری از رهگذر فرآیند دستوری‌شدگی از فعلی واژگانی با معنای حرکتی و پس از آن با معنای ارزیابی یا به عرصه وجود گذاشته است و در گذر زمان در کنار کارکرد وجهیت کنش‌محور، نقش وجهی کنش‌محور را نیز به‌دست آورده است. این روند تحول، حرکت این فعل را به سمت دستوری‌تر شدن رقم زده است. مثال زیر نمونه‌ای از وجهیت کنش‌محور به وجهیت کنش‌محور است:

(۲۳) استعاده بیش از تکبیرات باید گفتن (رازی ۱۳۷۱).

1. Completive Aspect
2. Linear iconicity
3. Hiraga

«زبان فارسی در گذر زمان» دو کتاب ارزشمند در حوزه تکوین و سیر تحول در زبان فارسی است. این مجموعه شامل مقالاتی است که بیشتر بر پایه نظریه دستوری‌شدگی است و سیر تحول بسیاری از ساخت‌های دستوری را در زبان فارسی بررسی می‌کند. در نتیجه مجموعه‌ای تأثیرگذار در مطالعات تاریخی-زبان‌شناختی است که خواندن آن به علاقمندان این حوزه توصیه می‌شود.

منابع

- Allen, A. (1995), Regrammaticalization and degrammaticalization of the inchoative suffix. *AMSTERDAM STUDIES IN THE THEORY AND HISTORY OF LINGUISTIC SCIENCE SERIES 4*, 1-1.
- Campbell, L., & Mixco, M. J. (2007), *A glossary of historical linguistics*. Edinburgh University Press.
- Hiraga, M. K. (1994), Diagrams and metaphors: Iconic aspects in language. *Journal of pragmatics*, 22(1), 5-21.
- Hopper, P. J. (1991), *On some principles of grammaticization. Approaches to grammaticalization, 1*, 17-35.
- Hopper, P. J., & Traugott, E. C. (2003), *Grammaticalization*. Cambridge University Press.
- Lehmann, C. (1982), Universal and typological aspects of agreement. *Apprehension: das sprachliche Erfassen von Gegenständen*, 2, 201-267.
- Lehmann, C. (1995), Thoughts on grammaticalization. Munich/Newcastle: Lincom.
- Ramat, P. (1992), Thoughts on degrammaticalization. *Linguistics*, 30(3), 549-560.
- Ramat, A. G., & Mauri, C. (2011), "The grammaticalization of coordinating interclausal connectives". In Heiko Narrog e Bernd Heine (eds). *Oxford Handbook of Grammaticalization*. Oxford: Oxford University Press. 653-664.
- Wischer, I. (2006), *Grammaticalization*. In *Encyclopedia of language and linguistics*. Keith Brown(Ed). 2nd Edition, 129-136.